

فرار از مدرسه (مدرسه گریزی - غیبت از مدرسه) در دانش آموزان

یونس احمدپوری^۱، رعنا شیخزاده تکابی^۲ و میثم احمدپوری^۳

۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی-دانشگاه آزاداسلامی واحد دزفول

۲ کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی-دانشگاه شهید چمران اهواز

۳ دانشجو کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی-دانشگاه پیام نور بهبهان

چکیده

فرار از مدرسه یکی از مسایل و مشکلاتی است که در میان کودکان و نوجوانان وجود دارد. و این مساله در تمامی دوره های زندگی افراد در طول تاریخ وجود داشته است اما امروزه بدلیل عوامل مختلف محیطی شیوع بیشتری پیدا کرده است. و کودکان و نوجوانان با کمترین بهانه ای و روبه رو شدن با کوچکترین مشکلی در محیط مدرسه فرار را ترجیح داده، و این تحقیق نتیجه ی مطالعه ی پژوهش های روان شناسان، و علمای تعلیم و تربیت در زمینه ی مساله فرار کودکان و نوجوانان و علت های آن از محیط مدرسه می باشد. در این تحقیق تعاریفی از فرار از مدرسه، مدرسه گریزی و غیبت از مدرسه علت فرار از مدرسه و همراه با راهکارهای مناسب ارائه شده که می تواند راهنمای خوبی برای معلمان در مدارس و والدین در خصوص تربیت و چگونگی رفتار با فرزندان در محیط خانه باشد.

واژه های کلیدی: فرار از مدرسه، مدرسه گریزی، غیبت از مدرسه

مقدمه

اصطلاح مدرسه‌گریزی پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اروپا رواج یافت. در آن موقع اصطلاح فرار از مدرسه کلیه شکل‌های غیبت بدون اجازه از مدرسه را در بر می‌گرفت. فرار از مدرسه عکس‌العمل‌های متفاوتی از سوی اولیاء و مربیان برانگیخته است که اهمیت مطالعه گسترده این موضوع را دو چندان می‌کند.

از نظر روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت کودکانی که تن به فرار می‌دهند، وضعیت رفتاری مشخصی ندارند. این افراد ممکن است با این تفکر که با تغییر موقتی محیط، مشکل زندگی‌شان برطرف خواهد شد از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کنند. اما هر جا که باشند همانند کسی هستند که کابوسی آنها را تعقیب می‌کند و به دنبال یک آرامش‌کاذبی هستند که هیچوقت به آن نمی‌رسند و بنابراین دوباره به جای اولیه خود بر می‌گردند و راه جدیدی را اتخاذ می‌کنند. این افراد در درس و تحصیل نیز زیاد موفق نیستند اغلب آنها دچار ضعف اعصاب اند و مشکل عصبی دارند و دچار بیخوابی هستند و اکثر اوقات به دنبال حل مشکل زندگی خود هستند. این افراد اغلب احساس توأم با گناه را با خود دارند که آنها را آزار می‌دهند دیگر فرار‌گریزی از کشمکش‌ها و عوامل هیجان‌آور است. به طور کلی می‌توان کودکان و نوجوانانی که از خانه و مدرسه فرار می‌کنند را به دو دسته تقسیم کرد.

دسته اول: کودکان و نوجوانانی که از لحاظ وضع جسمی و روانی سالم و عادی اند لیکن تحت تاثیر محیط خانوادگی و محیط تحصیلی اقدام به فرار می‌کنند.

دسته دوم: افرادی که عقب مانده ذهنی بوده، شخصیت تلفیق پذیر دارند و یا به انحراف و اختلالات و بیماریهای روانی از جمله صرع، اسکیزوفرنی و پارانویا مبتلا هستند.

معمولاً فرار به شکل فرار از مدرسه (مدرسه‌گریزی و بیزاری از مدرسه)، فرار از خانه (خانه‌گریزی و ترک منزل) انجام می‌شود. منظور از، فرار از مدرسه، حالتی است که کودک یا نوجوان بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری می‌کند و این غیبت غیر موجه در روزهای متوالی ادامه می‌یابد. مدرسه‌گریزی عبارت است از غیبت ناموجه از کلاس و مدرسه که معمولاً بدون آگاهی والدین صورت می‌گیرد و اگر پایدار باشد، به صورت اختلال رفتاری محسوب می‌شود. غالباً مدرسه‌گریزان، افرادی تنومند، ماجراجو به نظر می‌رسند و خواهان تغییر مداوم در محیط هستند. علایق استواری ندارند، در خردسالی روابط گرم نداشته اند دارای رفتارهای ضد اجتماعی اند و این رفتار خود را بیشتر در زندگی روزمره نشان می‌دهند. (شکاری، ۱۳۸۷)

در تصور ما، مدرسه‌گریز کودکی است که بدون اجازه والدینش یا اولیای مدرسه، از مدرسه غایب می‌شود، گرچه نوع دیگری مدرسه‌گریز وجود دارد و آن کودکی است که والدینش او را در خانه نگاه می‌دارند زیرا حضور او در خانه می‌تواند منشأ کمک به والدین باشد، بنابراین کودک یا خانواده می‌توانند منشأ غیبت از مدرسه باشند. اگر کودک بدون اطلاع پدر یا مادر از مدرسه غیبت کند، این را می‌توان مدرسه‌گریزی نامید، و اگر این پدر یا مادر است که آشکارا کودک را ترغیب می‌کند که به مدرسه نرود، می‌توان آن را کنه‌گیری از مدرسه نامید. هر شکل قضیه در شمار مسائل اجتماعی محسوب می‌شوند.

این تعاریف مختصر نشان می‌دهند که مسأله‌ی اجتماعی مدرسه‌گریزی و مسأله‌ی عاطفی و آسیب‌شناختی هراس از مدرسه خیلی با یکدیگر متفاوتند. غیبت از مدرسه عامل مشترک آن‌هاست، ولی آنها عیناً درجات مختلف یک مشکل نیستند، بلکه علل متفاوتی دارند و همانند نشانگان دو بیماری با یکدیگر تفاوت دارند. (جک اچ کان و همکاران، ۱۳۶۷)

تعریف واژه و اصطلاحات

- فرار به معنی ترک ارادی خانه یا محیط تعریف شده است و معمولاً به منظور دوری از بعضی چیزها یا به دست آوردن برخی چیزهای دیگر صورت می‌گیرد (تیواری به نقل از شکاری)

- فرار از مدرسه: حالتی است که کودک یا نوجوان بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری می‌کند و این غیبت غیر موجه در روزهای متوالی ادامه می‌یابد. (شکاری، ۱۳۸۳)

- مدرسه‌گریزی: عبارت است از غیبت ناموجه از کلاس و مدرسه که معمولاً بدون آگاهی والدین صورت می‌گیرد و اگر پایدار باشد، به صورت اختلال رفتاری محسوب می‌گردد. (شیخی، ۱۳۷۳)

- مدرسه‌گریزان افرادی تنومند و ماجراجو به نظر می‌رسند و خواهان تغییر مداوم در محیط هستند: علایق استواری ندارند، در خردسالی روابط گرم نداشته‌اند دارای رفتارهای ضد اجتماعی‌اند و این رفتار خود را بیشتر در زندگی روزمره نشان می‌دهند (بهزیستی استان کرمان، شماره ۴۲ پیامنامه‌ی همیاران).

در تحقیقی که توسط هرودوفولوگسن انجام شد رابطه‌ی ای معنادار بین مشکلات رفتاری در سن هشت سالگی و نتایج آن بر زندگی در سن هیجده سالگی مشاهده گردید. این مشکلات رفتاری باعث می‌گردد که والدین و معلمین، دانش آموز را فردی مشکل دار و غیر عادی فرض کنند و او را از جمعیت عادی جدا سازند. این امر باعث تخریب زندگی عادی آینده فرد خواهد شد. (سویزی، ۱۳۸۲) و زمینه فرار فرد را از مدرسه و خانه فراهم می‌کند. دیده شده است که فرار از مدرسه در اوایل نوجوانی، با عوامل استرس آور خانوادگی، تحصیلی و استرس‌های ناشی از روابط با همسالان مرتبط است (شکاری، ۱۳۸۷) جهت بررسی مبانی نظری موضوع لازم است به نظریات مختلف زیر اشاره شود:

نظریه روانکاوان:

از نظر روانکاوان، فرار نشانه پناه بردن به چیزی است. کودک یا نوجوان در حقیقت به دنبال مهر و محبت می‌باشد و از خانه یا مدرسه‌ای که نیاز به محبتش ارضا نشود سعی می‌کند از مکانیزم روانی جبران، انتقال و یا فرار استفاده می‌کند. به عبارت دیگر فرار، گریزی از کشمکش‌ها و عوامل هیجان آور است به طور کلی می‌توان کودکان و نوجوانانی که از خانه و مدرسه فرار می‌کنند را به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: کودکان و نوجوانانی که از لحاظ وضع جسمی و روانی سالم و عادی‌اند لیکن تحت تاثیر محیط خانوادگی و محیط تحصیلی اقدام به فرار می‌کنند.

دسته دوم: افرادی که عقب مانده ذهنی بوده، شخصیت تلفیق پذیر دارند و یا به انحراف و اختلالات و بیماریهای روانی از جمله صرع، اسکیزوفرنی و پارانوئیا مبتلا هستند. (شکاری ۱۳۸۷)

نظریه روانشناسان:

از نظر روانشناسان کودکانی که تن به فرار می‌دهند، وضعیت رفتاری مشخصی ندارند. این افراد ممکن است با این تفکر که با تغییر موقتی محیط، مشکل زندگی‌شان برطرف خواهد شد از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کنند. اما هر جا که باشند همانند کسی هستند که کابوسی آنها را تعقیب می‌کند و به دنبال یک آرامش کاذبی هستند که هیچوقت به آن نمی‌رسند و بنابراین دوباره به جای اولیه خود بر می‌گردند و راه جدیدی را اتخاذ می‌کنند. این افراد در درس و تحصیل نیز زیاد موفق نیستند اغلب آنها دچار ضعف اعصاب‌اند و مشکل عصبی دارند و دچار بیخوابی هستند و اکثر اوقات به دنبال حل مشکل زندگی خود هستند. این افراد اغلب، احساس توأم با گناه را با خود دارند که آنها را آزار می‌دهد (شکاری، ۱۳۸۳)

فرار از مدرسه:

مشکلاتی که در ابعاد آموزشی و تربیتی در مدارس گریبان گیر نظام آموزشی جوامع است بسیار متنوع می‌باشد در این بین مدرسه‌گریزی پدیده‌ای است که به سرعت افزایش یافته و یکی از عمده‌ترین مشکلات آموزش و پرورش به حساب می‌آید. مدرسه‌گریزی یک مشکل رفتاری است که علاوه بر هدر دادن هزینه‌ها و آسیب‌های مالی به آموزش و پرورش پیامدهای ناخوشایندی برای جامعه، فرد و خانواده به همراه دارد. مدرسه‌گریزی عاملی است بالقوه منفی برای دانش‌آموزان، خانواده، مدارس و جامعه که لزوم توجه و شناخت زمینه‌ها و علل مرتبط با این پدیده‌ی رفتاری را بیش از پیش آشکار می‌کند. آگاهی و شناخت خصوصیات اخلاقی و ویژگیهای نوجوانان این امکان را به ما می‌دهد که از بروز بسیاری از سوء تفاهم‌ها که ممکن است میان نوجوانان و اولیاء و مربیان آموزشگاه به وجود آید جلوگیری نمائیم. نوجوانی سالم و طبیعی مستلزم کودکی سالم و طبیعی است و بزرگسالی سالم و طبیعی مستلزم جوانی سالم و طبیعی می‌باشد. بنابراین از آنجایی که در مدرسه

اقتضای مختلف نوجوانان حضور دارند شناخت نیازهای روانی و اجتماعی آنها کاملاً ضروریست و افزایش آگاهی نسبت به آنها می تواند از بروز تنشها و بی انضباطی ها و کج رویها بکاهد. (شیخی، ۱۳۷۳)

عوامل فرار از مدرسه :

عواملی که بر اساس شرایط محیطی نامطلوب به مدرسه گریزی منجر شود ناشی از فشارهای آموزشی بیش از حدی است که از توان و فهم یک کودک خارج می باشد و برای او زجرآور است. ابتدا احساس بیزاری از مدرسه در آنها پدید می آید و سپس می گریزند. مدرسه گزانی که مقابله با ناکامی و یاسی که در خانه و مدرسه احساس می کنند با فرار از مدرسه می خواهند محیطی امن پیدا کنند که نیازهایشان ارضا گردد.

به مرور زمان با بزرگ شدن این کودکان جنبه های ناسازگاری آنها نیز بیشتر می شود. بسیاری از این گونه کودکان احتمالاً متعلق به خانواده های از هم گسیخته یا دارای والدین، برادران و خواهران بزهکار هستند. تعدادی نیز بر اثر تغییر مکرر مدرسه و یا رد شدن و تکرار کلاس، از مدرسه بیزار می شوند. فرار از مدرسه صرفاً ممکن است ناشی از ترس بیش از حد مدرسه باشد که این خود معلول شرایط نامساعد خانواده و مدرسه است (نوابی نژاد، ۱۳۵۸).

یکی دیگر از دلایل مدرسه گریزی این است که پسروانی که مدرسه را مکانی رضایت بخش برای رشد خود نیافته اند، با پرخاشگری، خصومت و سرپیچی از انجام تکلیف درسی، برای معلمان مشکلات جدی ایجاد می کنند. شکست های پی در پی تحصیلی از نظر این افراد ناخوشایند جلوه می کند و آنرا سبب ناکامی های خود می دانند و به این دلیل به پرخاشگری و یا بی علاقهگی روی می آورند.

آنهايي که رفتارهای پرخاشگری از خود نشان می دهند، بزودی در مدرسه و جامعه به عنوان افرادی شرور محسوب می شوند (شکاری).

مجازات بدنی یکی از عوامل مهم در ترک تحصیل زودرس کودکان و نوجوانان و همچنین عاملی در شکل گیری نگرش های منفی در آنان نسبت به خود و دیگران است. ضمن اینکه طی تحقیقات به عمل آمده ۵۴ درصد از تارکان تحصیل در بخش هرات از توابع شهرستان مهریز استان یزد در سالهای ۵۸-۱۳۵۷ تا ۷۷-۱۳۷۶، رفتار نامناسب، مخصوصاً تنبیه بدنی توسط مسئولان مدرسه را در ترک تحصیل خود موثر دانسته و به همین دلیل برای همیشه از مدرسه ترک تحصیل کرده اند (علمی یزدی به نقل از شکاری).

به طور کلی می توان عوامل مدرسه گریزی را به شرح زیر بیان کرد :

۱- طبقه ی خانواده که در برگیرنده ی کشمکش ها و روابط ناسالم میان اعضای خانواده می باشد و همچنین موجب عدم نظارت و رسیدگی بر امور فرزندان است.

۲- عوامل درون مدرسه شامل قوانین حاکم بر مدرسه، محتوای درس ها، روابط معلم و شاگرد و نوع برخورد کارکنان مدرسه دانش آموزان می باشد.

۳- نگرش، باور و علایق شخصی و انگیزه ی تحصیلی که تاثیر عمده ای بر عملکرد فرد دارد.

۴- مشکلات شخصی شامل افسردگی و اضطراب که عملکرد تحصیلی و رفتاری فرد را تحت تاثیر قرار می دهد و تقریباً از مهم ترین عوامل در مدرسه گریزی می باشد. (سویزی، ۱۳۸۳)

۵- تحقیر در حضور سایر دانش آموزان، توقعات مالی و جسمی مدرسه از فرد بدون توجه به امکانات مالی دانش آموزان و قدرت جسمی و میزان هوش.

غیبت از مدرسه :

اطلاعات در این مورد در کتابها و نوشته ها بسیار اندک است. احتمالاً ۱۰ درصد کودکان هر مدرسه برای یک بار هم که شده غیبت می کنند. برانزی در یک مطالعه راجع به غیبت از مدرسه دریافت که بین دختران و پسران سنین ۸ تا ۱۱ ساله تفاوتی دیده نمی شود. لیکن فراوانی غیبت پسران به مراتب بیش از پسران بود. در نواحی فقیرنشین و خانواده های پرجمعیتی که والدین نسبت به تعلیم و تربیت علاقه کمی ابراز می داشتند، این نوع غیبت بیشتر وجود داشت.

در کودکان زیر سن ۷ سالگی $\frac{1}{3}$ غیبت‌ها به علت بیماری‌های عفونی و بالای سن ۱۲ سال، $\frac{1}{3}$ غیبت‌ها به دلایل غیر پزشکی، مانند مراقبت از خواهر کوچکتر و نیمی از غیبت‌های کودکان نیز مربوط به استفاده از تعطیلات همراه با والدین بوده ((ساندوس)) دریافت که در اواخر هفته، غیبت از مدرسه ۲۵ درصد بیشتر می‌باشد و فراوانی غیبت در دوره ابتدایی بیش از دبیرستان به چشم می‌خورد.

((راجر و ریز)) (۱۹۶۵) در آمریکا با انجام تحقیقی دریافتند که بین غیبت و ناسازگاریهای کلی اجتماعی کودک، همبستگی وجود دارد گروهی که میزان غیبتشان بالاست عملکرد تحصیلی بدتری دارند، در فعالیتهای مدرسه کمتر شرکت می‌کنند و میزان ترک تحصیل بیشتری نیز خواهند داشت.

دوگلاس و راس (۱۹۶۵) نشان دادند که غیبت‌های کوتاه تکراری بیش از غیبت طولانی اتفاقی، به پیشرفت تحصیلی کودک آسیب می‌رساند. کودکان سطوح بالای طبقات متوسط که کراراً از مدرسه غیبت می‌کنند، موضع و موقعیت خویش را ابقاء می‌نمایند، در حالی که کودکان طبقات پایین اجتماعی از دروس عقب مانده و دچار سرخوردگی می‌شوند.

این بچه‌ها معمولاً در هنگام رفتن به مدرسه یا حضور در آن دچار اضطراب زیادی هستند و در برخی موارد از دردهای جسمانی مانند دل درد شکایت می‌کنند. گاهی این اصرار کودکان تا آنجا ادامه می‌یابد که از سوی والدین اجازه نرفتن به مدرسه صادر می‌شود. این کار اگر چه در کوتاه مدت حال کودک را خوب می‌کند اما مساله به طور اساسی بررسی نشود در روزهای دیگر و در شرایط حادثر تکرار خواهد شد.

در مورد دوم یعنی گریز از مدرسه، دانش آموز به دلایل گوناگون از رفتن به مدرسه سرباز می‌زند و البته این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که در آغاز کسی متوجه موضوع نمی‌شود. مثلاً به قصد مدرسه رفتن از خانه خارج می‌شود اما به مدرسه نمی‌رود و یا پس از مدتی از مدرسه خارج شده و پس از اتمام ساعت مدرسه به خانه بر می‌گردد. این گریز از مدرسه می‌تواند دلایل اجتماعی و شخصی داشته باشد. گاهی شیطنت و کاهلی در درس خواندن سبب این رفتار می‌شود و گاهی رفتارهای اجتماعی اطرافیان مانند بدخلقی معلم و مسئولین مدرسه و مشکلات خانوادگی کودک را نسبت به درس و مدرسه بی‌تفاوت می‌کند. در هر دو موارد اگر این رفتار در کودکان کنترل و درمان نگردد سبب رفتارهای ضد اجتماعی و ناخوشایند آنها در حال و آینده می‌شود.

در چه شرایطی غیبت از مدرسه مجاز است؟

مدرسه مانند هر نهاد اجتماعی دیگری قوانین خاص خود را دارد و والدین اگر به صلاح اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزند ایشان علاقمندند باید در راستای اجرای درست این مقررات با مسئولین مدرسه نهایت همکاری را داشته باشند یکی از قوانین حضور مداوم دانش آموزان در مدرسه است. بنابراین جز در موارد خاص دانش آموزان نتواند حضور مفید و مثبتی در مدرسه داشته باشد غیبت به هیچ عنوان نباید صورت بگیرد. بیماری‌هایی مانند سرماخوردگی‌های شدید و یا هر نوع مشکل جسمانی دیگری که به سبب آن کودک نمی‌تواند در کلاس حضور یابد، مراسم شادی یا غمی که کودک در ارتباط مستقیم با آن قرار دارد و به سبب آن حضور دانش آموز در مدرسه با تمرکز انجام نمی‌گیرد (به مدت یک روز) جابه‌جایی محل زندگی، و مشکلات بزرگ و اساسی خانوادگی، به مدت کوتاهی غیبت دانش آموزان را موجه می‌کند. در مواردی که جز این اجازه والدین به نرفتن دانش آموزان به مدرسه در دراز مدت لطمه اساسی و جبران ناپذیری به رشد تحصیلی و حس مسئولیت پذیری فرزندان در آینده خواهد زد. (سایت iranneedsmews).

انواع غیبت از مدرسه

غیبت کردن و عدم حضور دانش آموزان در مدرسه را از دو بعدی می‌توان بررسی کرد. غیبت موجه و غیر موجه. این دو تفاوت‌های بسیاری با هم دارند که بررسی علل و عوامل موثر بر آن بر رشد شخصیت اجتماعی و تحصیلی کودکان در آینده تاثیر حیاتی دارد.

غیبت موجه: این نوع غیبت همان طور که از نامش پیداست توجیه دارد و این توجیه خواه منطقی باشد یا نه، از دید خانواده و البته اولیای مدرسه قابل قبول است.

دلایلی مانند بیماری و اتفاقات ناخوشایند و حتی خوشایند ممکن است نرفتن دانش آموز به مدرسه را توجیه کند که این کار البته با رضایت و اطلاع والدین و مسئولین مدرسه صورت می گیرد .

غیبت غیر موجه : این غیبت دانش آموزان به دو دلیل ممکن است اتفاق بیفتد . اولی ترس از مدرسه و دیگری گریز از مدرسه است . در مورد نخست دانش آموزان بنا به دلایل گوناگون که می تواند شامل علاقه بیش از حد کودک به مادر و محیط خانه ، ترس از عدم توانایی در پاسخگویی به معلم و انجام دادن تکالیف ، شکست در برقراری ارتباط دوستانه با همکلاسی ها و تغییر محیط و شرایط تحصیلی کودک مانند تغییر مدرسه یا محل زندگی باشد ، از حضور در مدرسه سرباز می زنند .

بی تردید تعداد زیادی از کودکان بدون وجود هیچ گونه دلیل موجهی از رفتن به مدرسه می مانند . عده ای از مادران به دلیل یک سرماخوردگی یا سرفه یا خس خس کردن خفیف ، مانع از رفتن فرزندشان به مدرسه می شوند . در حالی که روشن نیست چرا آنها حال کودکی را که پس از سرماخوردگی سرفه می کند ، برای رفتن به مدرسه مساعد نمی دانند ، اما در عوض او را همراه با خود به وسیله اتوبوس به خرید برده و یا به اتفاق ، فرزند کوچک خانواده را به کیلینیک می برند .

توصیه هایی برای والدین :

- هیچ دلیل غیر موجهی را برای غیبت فرزندتان از مدرسه نپذیرید .
- اگر کودکتان بیمار است حتماً او را نزد پزشک ببرد تا او تشخیص دهد فرزندتان به استراحت نیاز دارد.
- زمانی که به دلیل بیماری ، فرزندتان را در خانه نگاه داشته اید او را وادار کنید در رختخواب بماند و استراحت کند . اگر به بهانه استراحت در خانه ماند و به تفریح و بازی مشغول شد هرگز تفاوت این دو را نخواهد فهمید .
- اگر متوجه مدرسه هراسی در فرزندتان شدید حتماً آن را پیگیری کنید و ساده از کنارش رد نشوید .
- به خاطر مشکلات شخصی خودتان مانع رفتن دانش آموز به مدرسه نشوید . عبارت امروز اجازه ات را می گیرم را فقط در موارد خیلی خاص به کار ببرید .

- با اولیای مدرسه در تماس مداوم باشید و از شرایط تحصیلی و روحی فرزندتان در مدرسه باخبر باشید .

(سایت iranneddsnews)

تشخیص افتراقی فرار از مدرسه :

برای تشخیص افتراقی این اختلال و سایر اختلالات به ظاهر مشابه به ویژه ترس از مدرسه وقت فراوان لازم است . به طور کلی غیبت های غیر موجه دانش آموزان از مدرسه را می توان به دو گروه تقسیم کرد :

۱- غیبت از مدرسه به دلیل ((مدرسه هراسی)) (ترس غیر منطقی از مدرسه)

۲- فرار از مدرسه یا مدرسه گریزی

در اینجا به تفاوت این دو اشاراتی می شود :

میلانی فر (۱۳۷۸) تفاوت ترس از مدرسه و فرار از مدرسه را این طور بیان می کند که فرار از مدرسه بیشتر در کودکان مبتلا به اختلالات روانی ، سایکوپاتها ، حالت اضطراب شدید و نظایر آن دیده می شود . در این حالت نوجوان از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود . پدر یا مادر از غیبت نوجوان از مدرسه اطلاعی ندارند یعنی در حقیقت نوجوان از مدرسه و منزل هر دو فرار می کند . این نوجوانان با عمل خود مقررات مدرسه را زیر پا می گذارند و از قوانین متداول خانوادگی و اجتماعی پیروی نمی کنند . اکثراً بعد از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خود به قماره دزدی و رفتارهای سایکو پاتیک می پردازند و یا اینکه بدون هدف معین در خیابان ها پرسه می زنند .

این نوجوانان اغلب کم استعدادند و در تطابق و سازش خود با محیط های خانوادگی و تحصیلی مشکل دارند . کودکان گریز از مدرسه اگر هم استعداد خوبی داشته باشند از نظر عاطفی سالم نیستند و رفتارشان در خانه و مدرسه طبیعی نیست و با کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می کنند کاملاً فرق دارند . کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می کنند اکثراً به خانواده های مرفه تعلق دارند و رفتارشان در مدرسه بهتر و آرام تر از سایر شاگردان است .

مدرسه‌گریزی و هراس از مدرسه معمولاً از همدیگر متمایزند چرا که مدرسه‌گریزی به عنوان بخشی از اختلال سلوک است در حالی که خودداری از مدرسه به عنوان اختلال نوروتیک فرض می‌شود. این تمایز به وسیله تایمرمن (۱۹۷۴) به چالش کشیده شده است. او معتقد است که این دو گروه بر روی یک پیوستار قرار دارند با وجود این، در مورد هراس از مدرسه معمولاً این توافق وجود دارد که نیازمند درمان بالینی است.

هراس از مدرسه با گریز از مدرسه یکی نیست. مدرسه‌گریزان معمولاً به تناوب از مدرسه غائب می‌شوند و پدر و مادرشان از موضوع اطلاعی ندارند. در مقابل در هراس از مدرسه، کودک معمولاً به طور پیوسته و طی دوره‌های طولانی به مدرسه نمی‌آید و پدر و مادر از رفتن به مدرسه و ماندن وی در خانه آگاهند. همچنین مدرسه‌گریزان، بر عکس کودکانی که از مدرسه هراس دارند، معمولاً شاگردانی تنبل اند که به سایر اختلال‌های رفتاری چون دزدی و دروغ‌گویی نیز دچارند.

سلطانی (۱۳۸۱) مدرسه‌هراسی را ترس اغراق‌آمیز از رفتن به مدرسه می‌داند که در میان دانش‌آموزان سنین مختلف دیده می‌شود، اما در ۱۱ و ۱۲ سالگی به اوج خود می‌رسد و هر دو جنس مبتلا می‌گردند و احتمالاً در دخترها کمی بیشتر از پسرها و در تمام طبقات اجتماعی و با هر توانایی تحصیلی مشاهده می‌گردد و اما فرار از مدرسه این است که کودک به قصد مدرسه رفتن از منزل خارج می‌شود ولی به جاهای دیگری غیر از مدرسه می‌رود یا پس از ورود و گاهی پس از ماندن مختصری در مدرسه، از آنجا بیرون می‌رود.

هین و همکاران (Heyneetal,2004) در این باره می‌گویند اولاً کودکی که مدرسه‌گریزی را نشان می‌دهد ممکن است به قصد رفتن روزش به مدرسه روزش را آغاز کند، اما تمامی روز را در جای دیگری به غیر از مدرسه سپری کند. از سوی دیگر، والدین کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می‌کنند به خوبی از مشکل آگاهند و کودک اغلب در خانه باقی می‌ماند.

ثانیاً در حالی که عدم حضور کودک مدرسه‌گریز معمولاً متناوب است، کودکی که از رفتن به مدرسه خودداری می‌کند ممکن است از مدرسه برای هفته‌ها یا ماه‌ها دور باشد. سوماً، کودکی که از رفتن به مدرسه خودداری می‌کند، معمولاً دانش‌آموزی خوب است با اهداف شغلی که به تحصیل نیاز دارد. در حالی که کودک مدرسه‌گریز، دانش‌آموز بی‌تفاوتی است که مدرسه را دوست ندارد و اغلب معیار ضعف انجام تکالیف را نشان می‌دهد. بعلاوه، کودک مدرسه‌گریز بیشتر اوقات به عنوان اختلال سلوک تشخیص داده می‌شود، در حالی که خودداری از مدرسه به عنوان اختلال هیجانی مدنظر است.

نشانه‌های رفتاری کودک مدرسه‌گریز:

- ۱- از کلاس و مدرسه درمی‌رود.
- ۲- ممکن است ابتداً به مدرسه نیاید و یا وسط روز مدرسه را ترک کند.
- ۳- پشت سر هم جیم می‌شود.
- ۴- ممکن است بدون اطلاع یا با اطلاع والدین از مدرسه فرار کند. اگر والدین اطلاع داشته باشند، ممکن است آنها به آن بی‌توجه بوده و از این بابت نگرانی نداشته باشند.
- برخی از والدین از غیبت دانش‌آموز حمایت می‌کنند. کودک ممکن است خواسته باشد یا نیاز داشته باشد که در خانه بماند و یا والدین ممکن است اهمیت حضور در مدرسه را ندانند.
- ۵- احتمالاً نیاز اندکی به حضور در مدرسه دارد.
- ۶- فقط به خواسته‌های خودش می‌پردازد.
- ۷- احتمالاً کودک شادی نیست.
- ۸- ممکن است دوستانی از سال بالایی‌ها داشته باشد.
- ۹- دوستان همسن و سال یا برنامه‌هایی در مدرسه ندارد تا با آن‌ها احساس نزدیکی کند.

آثار و پیامدهای رفتار کودکان مدرسه‌گریز:

- پیامدهای رفتار این کودک در محیط یادگیری مدرسه بر آموزگاران و همکلاسی‌ها و در موقعیت و محیط خانه عبارتند از:
- ۱- آموزگار هنگامی که هیچ اقدامی نمی‌تواند انجام دهد، احساس خشم و دشمنی می‌کند.

- ۲- آموزگار، کودک مدرسه گریز را مایه ی دردسر و مانعی بر سر راه انجام فعالیت هایش می داند.
- ۳- آموزگار مجبور است زمان بیشتری را صرف آموزش دوباره به کودک مدرسه گریز نماید تا او را به سطح سایر دانش آموزان برساند و به اصطلاح روزآمد نماید.
- ۴- آموزگار همچنین مجبور است زمان زیادی را صرف نگهداری سوابق نماید که ممکن است موجب این احساس در او شود که وقتش تلف شده است.
- ۵- همکلاسی ها او را به حساب نمی آورند و احساس می کنند که او جزئی از کلاس نیست.

راهکارهای عملی

شناسایی عوامل این رفتار نامطلوب دقیقاً نشان می دهد که دانش آموز باید از رفتارش آگاه شود و لازم است روش ها و فنون خاصی در مدرسه و خانه برای تغییر رفتار او به کار گرفته شود. این دانش آموزان:

- ۱- اعتماد به نفس اندکی در رو در رویی با مسئولیت های خود دارد.
- ۲- ممکن است برای عدم توانایی در برقراری ارتباط موثر دچار خشم زیادی شود. همچنین در خانه و یا در مدرسه با شکست رو به رو می شود که تجربه ی این شکست ها برای او بسیار دردناک هستند.
- ۳- احتمالاً نیاز شدیدی به تعلق داشتن به گروه (هر گروهی) در او دیده می شود. او نیازمند کسب موفقیت در هر فعالیت درسی است و به مقداری نظارت و مسئولیت در زندگی اش احتیاج دارد. در ارتباط با این دانش آموز باید راهکارهای زیر را به کار گیرید.
- ۴- تایید و تصدیق کنید جلسه ی مشاوره ی والدین کاملاً ضروری است و از آنها بخواهید از او حمایت کنند
- ۵- همانطور که با معلمان دانش آموز، مشکل وی را در میان می گذارید، با معلمان قبلی وی نیز صحبت کنید.
- ۶- نیازی در دانش آموز پیدا کنید که از طریق مدرسه رفع شود. سعی کنید چیز ارزشمندی برای دانش آموز پیدا کنید که آن را انجام دهد.

- ۷- هنگامی که دانش آموزی از مدرسه می گریزد باید این سوال را بپرسد ((چه کاری را باید انجام دهید)) و سپس بپرسید با نیامدن او به کلاس چه چیزی را از دست می دهید و چه چیزی را به دست می آورید)) این دانش آموز معمولاً زبان های مدرسه گریزی را می داند. به هر حال باید برای صحبت کردن با او وقت بگذارید.
- ۸- اگر دانش آموزی به ویژه که قصد دارد از کلاس فرار کند یا مدرسه را ترک نماید، هرگز به او نگوئید ((نمی تونی)). در حقیقت اگر این دانش آموز بخواهد این کار را بکند حتماً آن را انجام خواهد داد.
- ۹- به یاد داشته باشید نخستین نکته در نگهداشتن دانش آموز، افزایش حضور او در مدرسه است و داشتن پیشرفت تحصیلی خوب است.

- ۱۰- دو حقیقت را به خاطر داشته باشید: جر و بحث کردن با کودک مدرسه گریز بی فایده و بیهوده است و این دانش آموز اگر مایل است می تواند به مدرسه برگردد. بنابراین هیچ دری را نبندید و دانش آموز را مطمئن سازید که شما می خواهید که او در مدرسه باشد.
- ۱۱- تلاش کنید پی ببرید آیا چیزی در مدرسه وجود دارد که باعث گریز او از مدرسه می شود.

اشتباه های متداول در مورد این کودکان:

برداشت های نادرست و خطاهایی که در مواجهه با این کودک ممکن است اتفاق افتد و منجر به تداوم یا تشدید مشکل کودک شوند عبارت اند از:

- ۱- پرداختن به موضوعی خارج از مدرسه گریزی هنگامی که کودک به کلاس بر می گردد.
- ۲- ناکامی در جلب توجه کودک مدرسه گریز.
- ۳- اصرار زیاد داشتن بر کارهای از دست رفته.

- ۴- کوتاهی در مشاوره و راهنمایی هنگام بروز نخستین نشانه های مدرسه گریزی
۵- وجود این احساس که این موضوع مشکل دانش آموز است نه مشکل آموزگار
۶- برچسب زدن به دانش آموز به عنوان یک شکست خورده .

راهکارهایی جهت کمک به مدرسه گریزان :

از جمله راهکارهایی که جهت پیشگیری از پدیده مدرسه گریزی می توان به آن اشاره کرد به شرح ذیل می باشد :

- ۱- از وظایف مدرسه این است که دانش آموزان دیر فهم را به موقع شناسایی کند ، آنان را در گروه های کوچک قرار دهد و معلمان ویژه ای را برای آنان در نظر بگیرند و با والدین آنان در تماس باشد و به مراقبت دائمی از آنها ادامه دهند تا به تسلط کافی در خواندن برسند. (صفوی ، ۱۳۶۴)
- ۲- انجام مشاوره ، بخصوص اگر مشاوره به صورت گروهی باشد بسیار تاثیرگذار خواهد بود به این معنی که علل روگردانی دانش آموز از تحصیل در مدرسه را شناسایی می کنند و در صدد حل آن بر می آیند .
- ۳- از آنجا که دانش آموزان از برخی معلمان به دلایلی می ترسند لازم است طرحی اجرا کنند که اندکی از معلمان نباید در سال اول ابتدایی تدریس کنند (اج کان ، ۱۳۶۷) بکه در سال های بالا تدریس کنند .
- ۴- دولت های ملی باید به عنوان بخشی از سیاست ملی جوانان ، به ارتقاء سطح خواندن و نوشتن آنها بپردازند . سازمان های غیر دولتی جوانان NGO و سازمان های آموزشی ، باید به توسعه برنامه های ترویج سواد خواندن و نوشتن اقدام کنند (انجل ، ۱۳۸۱ : ۴۴۳) . در این راستا باید گروه های ویژه جوانان درمانده که شامل جوانان مهاجر ، پناهنده و جوانان فقیر مناطق شهری و روستایی هستند را دریابند . و نیز مشکلات ویژه سوادآموزی و سایر جوانان نابینا و دیگر جوانان معلول مورد توجه خاص قرار گیرد . (شکاری ، ۱۳۸۷)

مطالعات و تحقیقات تجربی خارجی :

در تحقیقی که در مورد افراد فراری صورت گرفته بود و مطالعاتی که در مدارس نیویورک ، توسط خانم ((ایروین)) انجام گرفته بود . در مورد اینکه آیا نسبت ذهنی افراد در امر فرار ، می تواند دخیل باشد ؟ مورد بررسی قرار گرفت نتایج بدست آمده که تقریباً ۴۳٪ از فرار کودکان به علت عقب ماندگی ذهنی و ۸٪ دیگر نیز شامل افراد مشکوک به عقب ماندگی ذهنی بوده است . بر این اساس اثبات می کند که بین عقب ماندگی ذهنی و فرار پسران و دختران از مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد . بدین ترتیب کودکی که مدرسه اش را دوست ندارد ، درس ها را نمی فهمد ، حوصله درس را ندارد و در کلاس درس پای صحبت معلم نمی نشیند ، و در نتیجه از مدرسه فرار می کند ، هیچ گونه انگیزه ای برای شرکت در کلاس درس و مدرسه را ندارد .

در تحقیق دیگری که توسط ((الکسون)) صورت گرفت نشان داده شد که بین فرار پسران و دختران از مدرسه و خانه با دزدی و شرکت در دزدی های دسته جمعی ، کشیدن سیگار ، قمار کردن و مصرف مواد ، را بطه مستقیمی وجود دارد و اغلب همزمان روی می دهد .

نکته مهم دیگر در این تحقیق این است که در مورد دختران نیز بین فرار از خانه و مدرسه با ماندن در خیابان ها به مدت طولانی ، تمایل به جنس مخالف ، کشیدن سیگار ، استعمال مواد مخدر و توزیع و پخش مواد مخدر ارتباط وجود دارد . بنابراین از نظر ((الکسون)) فرار می تواند زمینه بسیاری از انحرافات دیگر از جمله دزدی ، اعتیاد و ... باشد . بنابراین فرار از خانه و مدرسه معضلی است که بایستی هر چه زودتر در شناخت علت و راه های رفع آن اقدام نمود .

بر اساس تحقیقی از پرفسور ((باتاویا و همکاران)) رابطه مستقیمی بین تکرار جرم و فرار و ولگردی فرد وجود دارد . وقتی که فرد از خانه و مدرسه فرار می کند ، در واقع به بزهکاری ها و جرائم دیگر نیز روی می آورد . به طوری که ۸۰٪ از بزهکاران جوانی که مرتکب جرم شده اند ، ابتدا از فرار و ولگردی شروع کرده اند . پس بر اساس تحقیق ((باتاویا)) نیز فرار منشأ تمام بزهکاری ها و مادر تمام فسادها شناخته شده است که نیاز مبرم به مهار آن احساس می شود . ((سیبریل برت)) که صاحب

نظر در مسائل روانی است می گوید: به کودکی که علاقه به ولگردی و فرار دارد مسئولیت بسپارید و به کاری تشویق کنید. او در سایه مسئولیت پذیری حال و هوای دیگری پیدا می کند و سرگرمی و اشتغالش مانع فرارش می شود. اگر به کودک مسئولیت داده شود، احساس تعلق او ارضاء می گردد. کاری در حد توان و درک او به وی بسپاریم. در امور زندگی او را دخیل بدانیم و او را در محیط خانه و مدرسه به حساب آوریم تا برای خود احساس شخصیت و سرافرازی کند. وقتی کودک یا نوجوان چنین حسی داشته باشد، به کودک یا نوجوان مسئولیتی واگذار شود و احساس تعلق او را اضاء شود و برای خود ارزش و شخصیت قائل شود، مسلماً جایی برای فرار او باقی نخواهد ماند.

کلین (۱۸۹۷) با دید کنجکاوانه ای به موضوع نگرسته و مدرسه گریزی را به غریزه مهاجرت در پرندگان و حیوانات تشبیه می کند. این دیدگاه با نگاهی ساده به این موضوع و به عنوان یک بیماری و اختلال به آن نمی نگرد. مطالعاتی که توسط پیشگامانی نظیر حیلی (۱۹۱۵) و برت (۱۹۲۵)، مدارک مستدلی دال بر رابطه بین بزهکاری و مدرسه گریزی ارائه می دهد. در این مطالعات، کنترل ضعیف والدین کند ذهنی، بی ثباتی اخلاقی و نابسامانی های خانوادگی از جمله مهمترین عوامل دخیل در مدرسه گریزی شناخته شده اند.

پارتروچ (۱۹۳۹) در یک بررسی و تجدیدنظر در مورد مدرسه گریزی، یک گروه از کودکان مدرسه گریز را روان رنجور می نامند. گروه مورد نظر از کودکان مدرسه گریز متفاوت بودند. آنها مطیع و تقریباً سازگار و علاقمند به مدرسه بودند که آنها را قربانی احساسات مادر و فرزندی نام می نهد، و اساس بیماری آنها را حمایت بیش از حد والدین و در نتیجه وابستگی آنها به والدین می داند.

آیزبوزگ (۱۹۵۸) و رودریگز و آیزنبرگ (۱۹۵۹) مدرسه هراسی را شکل دیگری از اضطراب جدایی می دانستند ولی می گفتند که علائم آن نشان دهنده بیماری اسکیزوفرنی و یا سایر بیماری ها نیز می تواند باشد. در حالی که کوپر (۱۹۶۶) اصطلاح امتناع از مدرسه را هم برای شاگردان مبتلا به مدرسه هراسی و هم برای مدرسه گریزها به کار می برد. (شکاری به نقل از بلگ)

تحقیقات داخلی

گلیک پور (۱۳۷۷) فقدان انگیزش و علاقه تحصیلی را به عنوان عاملی که در به وجود آوردن مشکل فرار از مدرسه موثر است، مطرح نمود. وی گزارش نمود که ضعف و افت تحصیلی، فقدان انگیزش و علاقه تحصیلی در میان دانش آموزان مدرسه گریز به مراتب بیشتر از دانش آموزانی است که سابقه فرار از مدرسه ندارند، است. او معتقد است که دانش آموزان مدرسه گریز به علت ضعف تحصیلی و پایین تر بودن هوش از حد متوسط، با برخورد نامناسب و منفی از سوی معلمان و سایر کارکنان مواجه می شوند.

نوابی نژاد (۱۳۷۳) معتقد است که فرار از مدرسه ممکن است صرفاً ناشی از ترس بیش از حد از مدرسه باشد، که این خود معلول شرایط نامساعد خانواده های از هم گسیخته و یا دارای والدین و خواهر و برادران بزهکارند.

کریمی نوری (۱۳۷۰) و میلانی فر (۱۳۷۸) بر نقش و تاثیر خانواده بر فرار نوجوانان از مدرسه و گرایش آنها به بزهکاری تاکید می کنند.

پژوهش دیگری توسط سعیدی (۱۳۷۲) صورت گرفت. یکی از یافته های قابل توجه پژوهش او این مسئله بود که صد درصد نوجوانان فراری، وجود ناسازگاری و روابط معیوب عاطفی بین والدین را به عنوان علت عمده ی رفتار ناسازگار عنوان نمودند و اکثر دانش آموزان قبل از فرار از مدرسه، رفتار فرار از خانه را تجربه کرده بودند.

تحقیق گلیک پور (۱۳۷۷) بر همین نکته تاکید دارد که خانواده های از هم گسیخته و خانواده هایی که نظارت حداقل به امور فرزندان خود دارند، شانس ابتلا به رفتار مدرسه گریزی را افزایش می دهند.

فیروز محمدی (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزانی که تعارضات خانوادگی دارند بیشتر از دانش آموزانی است که تعارضات خانوادگی ندارند.

نتیجه گیری:

نتیجه ای که حاصل می شود این است که مدرسه گریزی در خانواده ها با در آمد اقتصادی پائین شیوع بیشتری دارد و همانطور که در کتاب بیزاری از مدرسه آمده عدم تامین نیازهای مادی کودک در مقابل همسالان منجر به فرار از مدرسه می شود. فرار از مدرسه در هر دو گروه یعنی هم بین دختران و هم پسران وجود دارد اما مطالعه آماری هر ساله نشان داد که پسرها بیشتر از دخترها از مدرسه غیبت می کنند در مناطق روستائی پسران ۱۲ ساله یا بزرگتر شاید به علت مفید بودنشان در کار مزرعه غالباً از کودکان کوچکتر بیشتر غیبت می کنند.

فرار از مدرسه در بین کودکان اول و دوم ابتدایی بیشتر دیده می شود و شاید به دلیل وابستگی به مادر و یا اعضای خانواده باشد. کودکانی که از رفتن به مدرسه خود داری می کنند در کلاسهای بالاتر و در یک روز از هفته نیز این عمل را از خود نشان می دهند پدر و مادر این کودکان فاقد رابطه خوب و مطلوب بوده و پدر علاقه کافی به خانواده خویش ندارد.

منابع

۱. اچ کان، جک، پی نورستن جین، سی، ام، (۱۳۶۷) کاردان هواره، بیزاری از مدرسه، مترجم حسن سلطانی فر، انتشارات استان قدس
۲. سلطانی، ابوالحسن (۱۳۸۱) "بررسی علل غیبت مکرر دانش آموزان از مدارس از دیدگاه روان شناسی" فصلنامه بهروز، نشریه پزشکی و پیراپزشکی، سال سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸
۳. سوزی مهری (۱۳۸۳)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲۳
۴. شیخی محمد تقی (۱۳۷۳)، مددکاری اجتماعی و جامعه شناسی مسائل اجتماعی
۵. شکاری، عباس (۱۳۸۳)، رویکرد فلسفی با آسیب شناسی اجتماعی، اصفهان، انتشارات پویش اندیشه
۶. شکاری، عباس (۱۳۸۷)، رویکرد تجربی به آسیب شناسی اجتماعی (بیزاری از مدرسه و خانه گریزی)، اصفهان، سرود اندیشه
۷. مروتی، ذکرا، شناخت عوامل مرتبط با فرار از مدرسه در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شاخه نظری شهر ابهر، ۱۳۸۵-۸۴، پایان نامه دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز
۸. میلانی فر، بهروز (۱۳۷۸) روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی، تهران نشر قومس
۹. نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۳)، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راههای پیشگیری و درمان نابهنجاری ها، انتشارات انجمن اولیا و مربیان
۱۰. سایت www.iranneeds.com